

بررسی مبانی و ارکان مسئولیت مدنی در حوزه ساخت و ساز مغایر با اصول محیط زیستی

محمدحسین پرکره^۱

عسکر جلالیان^{۲*}

A.jalalian@pnu.ac.ir

سید مسعود منوری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۴

چکیده

زمینه و هدف: جهان در حال گذر از اولین قرن شهری خود است و جمعیت بیشتری در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی در سطح جهان زندگی می‌کنند. بنابراین در این چرخه برخی منابع با محدودیت روبرو می‌گردد. زمین یکی از این منابع مهم است که در این افراط با محدودیت مواجه است. پس با در نظر گرفتن وجود محدودیت باید با قاعده‌سازی و اعمال مقررات در راستای استفاده بهینه به ویژه در حوزه ساخت و ساز شهری، مدیران شهرسازی بایست توسعه پایدار را ملاک عملکرد خود قرار دهند.

روش بررسی: در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، مبتنی بر روش کتابخانه‌ای سعی شده علاوه بر بررسی مقررات تکلیف محور در حوزه ساخت و ساز شهری، مبنا و ارکان مسئولیت مدنی موثر در تصمیم‌سازی شهری مورد بررسی قرار گیرد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش حاضر گویای آن است که در نظام حقوقی ایران مسئولیت مبتنی بر نظریه تقصیر می‌باشد. اگرچه به نظر می‌رسد این نظریه نتواند به طور همه جانبه از تخلف در ساخت و سازهای شهری که مغایر با اصول زیست محیطی و توسعه پایدار شهری است، جلوگیری نماید. بنابراین مبنای مسئولیت مبتنی بر معیار نوعی و مسئولیت محض که بر پایه میزان خطر و اضرار می‌باشد در این حوزه کارآمدی بهینه‌تری خواهد داشت. از طرفی به دلیل وجود نهادهای مختلف در مدیریت شهری و تلاقی برخی خسارت‌های در این حوزه با اعمال حاکمیتی این نهادها و سازمان‌ها که اغلب دولتی و عمومی هستند، احراز مسئولیت و در نهایت جبران خسارت مشکل بوده و در مراتبی نشدنی است.

۱- دانشجوی دکتری، گروه مدیریت محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۲- استاد تمام، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران. * (نویسنده مسؤل)

۳- دانشیار، گروه علوم محیط زیست و جنگل، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

بحث و نتیجه گیری: برآیند آنچه آمد این مهم را بیان می‌کند که در حوزه ساخت و ساز شهری مغایر با اصول زیست محیطی دو چالش جدی وجود دارد. نخست: مقرراتی است که خود، موجبات ساخت و سازهای برخلاف اصول محیط زیستی را ایجاد می‌کند که اساساً بحث مسئولیت و مسئول دانستن شخصی در آن موضوعیت ندارد. مورد دوم وقتی است که مقرراتی در این زمینه از سوی قانونگذار به تصویب رسیده است، اما مجری، ناظر و دیگر عوامل در فرآیند اجرا آن را به درستی انجام نداده و یا در صورت انجام، آن را به صورت ناقص اجرا نموده است.

واژه‌های کلیدی: ساخت و ساز شهری؛ توسعه پایدار؛ نظریه تقصیر؛ نظریه خطر؛ مسئولیت مدنی.

Examining the Foundations and Pillars of Civil Responsibility in the Field of Construction that is Contrary to Environmental Principles

Mohammad Hosein Porkareh¹

Askar Jalalian^{2*}

A.jalalian@pnu.ac.ir

Seyyed Masoud Monavari³

Admission Date: March 10, 2024

Date Received: June 25, 2023

Abstract

Background and Objective: The world is passing through its first urban century, and more people live in urban areas than in rural areas globally. Therefore, in this cycle, some resources are limited. Land is one of these important resources that is limited in this extreme. So, taking into account the existence of limitations, by making rules and applying regulations in line with optimal use, especially in the field of urban construction, urban planning managers should make sustainable development the criterion of their performance.

Material and Methodology: In this research, using the analytical descriptive method, based on the library method, in addition to reviewing the task-oriented regulations in the field of urban construction, the basis and elements of the civil responsibility of people effective in urban decision-making have been investigated.

Findings: The results of the present research show that in Iran's legal system, responsibility is based on the theory of fault. Although it seems that this theory cannot comprehensively prevent violations in urban constructions that are against the principles of environmental and sustainable urban development. Therefore, the kind and absolute rule is one of the theories that will be more effective based on the amount of risk and harm in this field. On the other hand, due to the existence of various institutions in urban management and the intersection of some damages in this area with the governance practices of these institutions and organizations, which are mostly governmental and public, it is difficult and impossible to establish responsibility and finally compensate for the damage.

Discussion and Conclusion: Urban Construction; Sustainable Development; Theory of Guilt; Risk Theory; Civil Liability

Keywords: Urban Construction; Sustainable Development; Theory of Guilt; Risk Theory; Civil Liability.

1- Ph.D. Student, Department of Environmental Management, Faculty of Natural Resources and Environment, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran.

2- Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran. **(Corresponding Author)*

3- Associate Professor, Department of Environmental and Forest Sciences, Faculty of Natural Resources and Environment, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran.

مقدمه

هوا، صدا و... را در بر می‌گیرد، پر واضح است که ساختار کلان مدیریت و کنترل کیفیت در حوزه‌های مختلف مثل: هوا؛ در می‌بایم که این ساختار دارای شرایط مطلوب نیست و بدیهی است که یکی از ارکان اصلی مدیریت مطلوب، استقرار نظام حقوقی و ساختاری بهینه و متناسب است. چنین به نظرمی آید که اقدام برای اصلاح ساختار موجود براساس اصول و مبانی علمی و نیز به کارگیری نظام حقوقی (۳) کارآمد به ویژه در حوزه مسئولیت و توجه به مبانی آن در عرصه محیط زیست شهری و ساخت و ساز در آن موضوعی است که بایست محور سیاستگذاری شهری قرار گیرد.

۱- زمینه و هدف

هر چند در این پژوهش به بررسی مبانی مسئولیت مدنی خواهیم پرداخت. اما هدف اصلی در این تحقیق پاسخ به این پرسش اصلی است که در صورت تخلف و یا مغایرت ساخت و ساز با اصول محیط زیستی شهری، قواعد مبنایی مسئولیت چه جایگاهی داشته و میزان مسئولیت افراد درگیر در ساخت و سازهای غیر اصولی بر مبنای چه ضابطه‌ای خواهد بود.

مفهوم شهرسازی سبز

شهرسازی یعنی مطالعه، طرح‌ریزی و توسعه شهرها با در نظر گرفتن احتیاجات اجتماعی و اقتصادی در راستای به حداقل رساندن مشکلات شهری و پاسخ گویی به نیازهای عمومی جمعیت شهری، شهرسازی یک کار گروهی و یک کوشش دسته جمعی با شرکت متخصصین علوم مختلف اعم از پایه و انسانی که به نحوی در زمینه مسائل شهری می‌توانند به مطالعه بپردازند. (۴) در واقع «شهرسازی» را می‌توان جزء فعالیت‌ها و علوم به شمار آورد که با زندگی روزمره و لحظه‌ای انسان ارتباط دارد و آثار آن در نحوه «سکونت» و «کار و فعالیت» و «گذراندن اوقات فراغت» شهروندان ملموس و آشکار است. (۵)

با این بیان؛ شهرسازی سبز به عنوان عمل ایجاد جوامع سودمند برای انسان و محیط زیست تعریف شده است. به گفته تیموتی بیتلی؛ این تلاشی است برای شکل دادن به مکان‌ها، جوامع و

امروزه اثرات مرتبط با تغییرات آب و هوایی مانند افزایش دما و سطح دریاها باعث کاهش بهره‌وری زمین و حتی از بین رفتن زمین‌های گرانبها از ما می‌شود. محیط‌های شهری با انتشار گازهای گلخانه‌ای با این مشکلات مرتبط هستند، با این حال سیاست‌ها و رویه‌های برنامه‌ریزی که ما دنبال می‌کنیم همیشه مقرراتی مبتنی بر توسعه پایدار را پیشنهاد نمی‌کنند. اغلب اتفاق می‌افتد که برنامه‌ریزی شهری ضعیف و سیاستی که بر آن تأثیر می‌گذارد، منجر به استفاده ناکارآمد از زمین در اطراف حاشیه شهر با محله‌های پراکنده یا مسکن‌های کم تراکم می‌شود. اساساً در شهر و شهرسازی برنامه‌ریزی درون یک ایدئولوژی سیاسی اتفاق می‌افتد که فرآیند تصمیم‌گیری کنونی را قالب‌بندی می‌کند. بنابراین، باید ادعا کرد تا حد زیادی آنچه از الگوهای شهری که امروزه جایگذاری شده، منعکس کننده تصمیماتی است که در دیروز اتخاذ شده است. بنابراین همانطور که ایدئولوژی حاکم تغییر می‌کند، برنامه‌ریزی شهرهای ما نیز تغییر می‌کند. موضوعات جهانی مانند تغییرات اقلیمی، توسعه و جهانی شدن، در کنار یک سبک تفکر و طراحی یکپارچه‌تر که برای مبارزه با آنها مناسب‌تر است، همگی به رسمیت شناخته می‌شوند (۱).

مسئولیت زیست محیطی مربوط به ساخت و ساز و املاک، در گذشته، به عنوان یک حوزه پیچیده و بحث برانگیز قانونی شناخته شده است. در ایالات متحده، در نتیجه تغییر سیاست‌های دولتی، تلاشی برای انتقال بار مالی اقدامات اصلاحی زیست محیطی به بخش خصوصی صورت گرفته است، تا جایی که بسیاری از وام دهندگان و حتی سهامداران، اکنون نگران مسئولیت بالقوه خود هستند (۲). در بریتانیا، در پاسخ به تقاضای عمومی و تعهد دولت به محیطی پاک‌تر و ایمن‌تر شهری، شرکت‌ها به طور فزاینده‌ای از مسئولیت شرکتی بالقوه خود در طیف وسیعی از طراحی ساختمان و فعالیت‌های مرتبط با ساختمان آگاه می‌شوند. با این حال، دامنه این مسئولیت نامشخص است. در بازخورد با توسعه پایدار در بافت و جغرافیای شهری که هر نوع آلاینده‌ای اعم از

اصطلاح ساختمان سبز به گونه‌ای پایدار و کارآمد طراحی، ساخته و ادراه می‌شود و تابع استانداردهای بین‌المللی خاصی است که برای سنجش سازگاری آن با محیط زیست به موسسات تخصصی داده می‌شود. (۸) با این گفتمان ساختمان سبز وقتی در ساخت و ساز شهری تبلور می‌یابد که استانداردهای اساسی محیط زیستی از جمله مصالح، شرایط نورگیری ساختمان، محاسبه هدر رفت انرژی و اتخاذ تدابیری جهت پیشگیری از آن در ساختمان و ... خواهد بود.

در پرتو آنچه بیان شد؛ بام سبز فضایی است که می‌توان از آن به عنوان یک عنصر نوپا در کشور نام برد. پس این بخش از ساختمان به عنوان مهمترین منبع دریافت نور و انرژی خورشیدی، بر گرمایش و سرمایش، تهویه تعدمی و ناخواسته، کنترل نوفه‌های صوتی، کیفیت طراحی و اجرا و ابعاد زیبایی شناسی، تأثیر قابل توجهی در میان سایر اجزای ساختمان دارد. (۹)

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از رهیافت جدید در سایه پژوهش‌های متن‌محور بهره برده است. بنابراین آنچه بیان شده با تمرکز بر متن و فهم آن، استخراج شاخص‌های محوری اثر و نزدیک شدن به منظومه فکری نویسندگان، شناخت هدف یا اهداف پنهانی که در گفتمان آنها وجود دارد، سعی در تولید محتوایی تفسیری نموده و به این طریق سعی شده دریافتی عمیق از زمان حاکم بر رویکرد نوشتاری نویسندگان، دغدغه‌های آنها در زمینه محیط زیست و اصول آن و تأثیر آنها بر صنعت ساخت و ساز شهری از یک سو و توسعه پایدار شهری از سوی دیگر، داشته باشیم. با این بیان آنچه در پژوهش متن محور مد نظر است، تشریح و تفسیر تحلیلی‌هایی است که مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای است.

شیوه‌های زندگی پایدار و مصرف کمتر منابع مضر به حال محیط زیست. نواحی شهری می‌توانند زمینه‌ساز این موضوع باشند که چگونه برنامه‌ریزی شهری یکپارچه و پایدار از نظر زیست محیطی می‌تواند مزایای زیست بوم سبز را در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی ارائه و بهبود بخشد. (۶) شهرسازی سبز موضوعی میان رشته‌ای است و ترکیبی از همکاری معماران منظر، مهندسان، برنامه‌ریزان شهری، بوم‌شناسان، برنامه‌ریزان حمل‌ونقل، فیزیکدانان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و دیگر متخصصان علاوه بر معماران و طراحان شهری را در بر می‌گیرد.

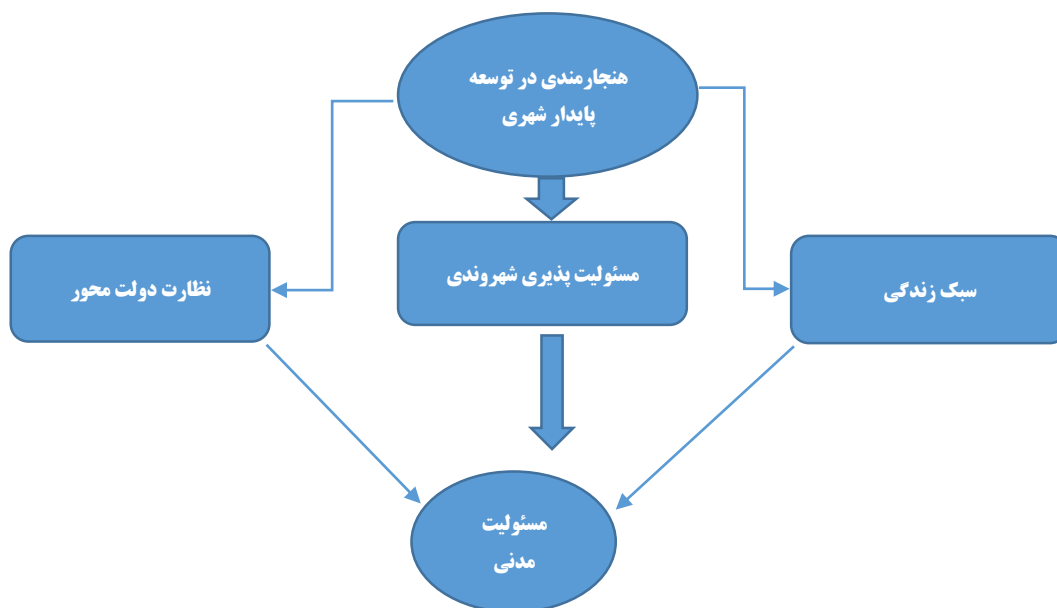
مولفه‌های شهرسازی سبز

یک سیستم فضای سبز شهری مولفه مهمی در توسعه هر جامعه، مسکن، کسب و کار، مناطق تفریحی و غیره است. اجزای مناطق سبز شهری عبارتند از پوشش گیاهی، آب، دسترسی به بهداشت عمومی شهری، خدمات مربوط به سرپناه، توالی، فضای استراحت، زمین‌های بازی و فضاهای ورزشی، رویدادها و فعالیت‌ها، شرایط و منابع کیفیت محیطی مانند روشنایی، ایمنی، سطل زباله، کارکنان خوش برخورد، ویژگی‌های هنری و مصنوعات است که در چارچوب نگرشی نو با اصول محیط زیستی عناصر توسعه پایدار را در سطح شهر فراهم می‌کند. (۷) بنابراین ارزیابی کیفی فضاهای سبز با عواملی مانند زیرساخت، پوشش گیاهی، امنیت، تجهیزات و مصالح به کار برده شده سنجیده می‌شود.

مفهوم بام سبز در معماری شهری

شایان ذکر است قبل از بام سبز ساختمان سبز باید موضوعیت پیدا کند. ساختمان سبز به منظور حفظ سلامت انسان و استفاده هوشمندانه از منابع طراحی، بهره‌برداری و استفاده مجدد می‌شوند و اثرات منفی بر محیط زیست را کاهش می‌دهند. پس

یافته‌ها:



نمودار ۱- اصول هنجاری در توسعه پایدار شهری

Diagram 1. Normative principles in sustainable urban development

شهروند می‌تواند مسئول قلمداد گردد، دولت از منظر عدم تقنین مقررات سبز و عدم اجرای درست و شفاف مقررات موجود و یا اجرای ناقص و اشتباه مقرراتی که در این زمینه به تصویب رسیده است.

با توجه به آنچه آمد؛ محیط زیست شهری پیوستگی تامی با حیات مطلوب انسان‌ها داشته و توجه به توسعه پایدار شهری می‌تواند در زندگی مطلوب اشخاص موثر باشد. این مطلوبیت ناخواسته مستلزم تغییر در سبک زندگی خواهد بود. یکی از مهمترین اهداف توسعه پایدار، حفظ طبیعت و اصلاح نگاه به آن است و تجلی توسعه پایدار در حوزه محیط ساخته شده، معماری پایدار نامیده می‌شود. با اینکه نتایج بحران‌های امروزی به خوبی شناسایی شده‌اند ولی بسیاری از راه‌حل‌های ارائه شده نسبت به مشکلات محیطی در معماری پایدار، به نظر ناکارآمد و ناقص می‌آیند. (۵) نگاه انسان نسبت به طبیعت، همان جهان بینی یا بینش او می‌باشد که در روش و مشی او منعکس می‌گردد. لذا ابهام‌ها و نواقص تئوریک که در مفهوم معماری پایدار وجود دارند، می‌توانند مانع مهمی در جهت حفظ محیط زیست باشند. در این فرایند به ویژه از منظر دیرینگی می‌توان سه رویکرد را با

وضع هنجارهای مبتنی بر مسئولیت مرتبط با محیط زیست در حوزه شهرسازی

وضع هنجاری در توسعه پایدار شهری در یک معادله خطی که برآیند آن مسئولیت است، قابل ترسیم می‌باشد. بنابراین با ترمیم شیوه زندگی با حمایت حاکمیت - با فراهم سازی آنچه امکانات دانش محور محسوب می‌گردد، مسئولیت‌پذیری شهروندی با رعایت اصول محیط زیست در ساخت و ساز شهری، با تبعیت از نهادهای مرتبط، ترسیم کرد که در نهایت نظارت همه جانبه دولت بر اجرای بهینه و درست مقررات ساخت و ساز شهری حسن ختام آن خواهد بود. بنابراین با این معادله به خوبی می‌توان برداشت نمود تنها تقنین کافی نیست. بلکه مسئولیت‌پذیری و آموزش در این پروسه به شهروندان و از همه مهمتر نظارت بدون قضاوت و همراه با فراهم سازی امکانات از سوی دولت نیز موثر و مهم می‌باشد. در این فرایند مجری، شهروند است که با نظارت درست و کارآمد دولت و تهیه و فراهم سازی امکانات مرتبط با ساخت و ساز سبز، این مهم را محقق می‌سازد. حال هر یک از این مولفه‌ها در صورت عدم ناکارآمدی و یا عدم توجه به اجرا و یا اجرای ناقص، مسئولیت‌زا خواهند بود. در این معادله هم

مقصود از مبنای مسوولیت مدنی مشروعیت بخشی به مطالبه خسارتی است که برآیند فعل زیانبار شخص ایجاد شده است. حال مبنای رجوع و مطالبه می‌تواند به فراخور نوع دیدگاه، رژیم حقوقی و حتی میزان اهمیت موضوع خسارت متفاوت باشد (۱۳). پس در آن بخش که علت غایی مسئولیت تقصیر زیان زننده بوده و مبنا را آن قرار دهیم، بنابراین مبنای مسئولیت مدنی در اینجا تقصیر خواهد بود. اما آنجا که فارغ از پدیده تقصیر و علت‌یابی غایی مسئولیت مدنی، مسئولیت را بر فردی که در انجام اموری متعهد است جاری نماییم؛ مبنا به صورت عینی و مطلق در نظر گرفته شده است. اهمیت اساسی این دو مبنا را می‌توان در فرایند دادرسی و ادله اثبات جهت حل و فصل اختلاف و در نهایت تعیین خسارت، مورد واکاوی قرار داد. «در فقه اسلامی که قوانین ناشی از اراده الهی است، مشروعیت مسوولیت مدنی متکی بر احکام الهی است و حقوقدانان اسلامی در این زمینه کمتر تلاش کرده‌اند که مبنای قوانین را استخراج نمایند و بیشتر دنبال این بوده‌اند که با توجه به ادله موجود ساختار مطلوبی از قواعد را ارائه نمایند.» (۱۴) به هر حال تلاش در تعیین مبنای مسئولیت مدنی علاوه بر بررسی ادله می‌تواند در راستای شناخت ساختار نظام حقوقی نیز باشد.

با بررسی سه رکن موجود در مسوولیت مدنی که عامل زیان، فعل زیان بار و رابطه سببیت را در بر می‌گیرد، باید ببینیم که مبنای مسئولیت مدنی با اتکا به کدام یک از عناصر فوق بنا شده است. کسانی که نقش وارد کننده زیان را مدنظر قرار داده تحلیلی مبتنی بر نظریه تقصیر زیان زننده دارند و کسانی که توجه بیشتر را معطوف به فعل زیان‌بار و میزان وخامت آن دارند نظریه خطر را مطرح می‌نمایند. در نهایت نیز بین ضرر ایجاد و فعل زیانبار شخص مقصر یا عامل زیان بایست رابطه‌ای وجود داشته باشد که بتوان مسئولیت مدنی را در فعل وی احراز نموده و جبران خسارت را بر این شخص تحمیل کرد. البته در این فرایند بزه‌دیده نیز می‌تواند نقش مهمی داشته باشد چرا که از جمله مبناهای مسئولیت مدنی به ویژه در احراز و جبران خسارت نظریه تضمین حق است که مترصد جایگه بزه‌دیده است. به هر حال در ذیل و در بازخورد با موضوع این نظرات به صورت اجمالی مورد بحث قرار می‌گیرند.

توجه به نظریاتی چون عمومی سازی حفاظت از محیط زیست بیان کرد که در پایان گفتمان آنچه ایجاد می‌گردد، تبیین مسئولیتی است که باید نسبت به اشخاص مختلف اعم از شخص حقیقی و یا حقوقی خصوصی و عمومی مترتب دانست.

رویکرد نخست مبتنی بر نقش اساسی دولت در امر حفاظت محیط زیست است (رویکرد دولت محور). بر اساس این رویکرد، سیاست‌ورزی، قانونگذاری و اتخاذ تمهیدات مختلف حمایتی و عملیاتی را در ید انحصاری دولت تفسیر می‌کند. در این رویکرد و انحصار محوری عملکرد، موجبات وارد نمودن موضوع حفاظت از محیط زیست و در اینجا محیط زیست شهری را به دایره حاکمیتی وظایف تقلیل می‌دهد. موضوعی که در بازخورد با احراز مسئولیت، انتساب مسئولیت به اشخاص نیز دارای محدودیت‌های مختلفی است. (۱۰) بنابراین شیوه اجرای سیاست‌های عمومی در این عرصه به ویژه در حوزه شهری که اساساً باید تکلیفی شهروندمدار با نظارت دولت باشد، ارتباط مستقیم با تلقی دولت‌ها از این تکلیف عمومی و نحوه انجام آن، پیدا می‌کند. (۱۱)

در گامی دیگر می‌توان رویکرد دومی را در این فرایند مورد تدقیق و بررسی قرار داد. پس با این خط مشی آنچه منتج می‌گردد مبتنی بر بدبینی به نقش دولت در کسوت متولی تام‌الاختیار در حوزه حفاظت از محیط زیست استوار است. این نگرش بیان می‌کند که حاکمیت به طور عام و دولت به طور خاص نمی‌توانند حافظان خوبی در حفاظت از محیط زیست تلقی گردند. (۱۲) موضوعی که در احراز مسئولیت به ویژه در عرصه محیط زیست که بایست مبنا را مطلق پنداشت، می‌تواند موثر و کارآمد باشد. در نهایت می‌توان رویکردی بینابینی با تمرکز بر مسئولیت دولت و عموم مبتنی بر عملکردی همکاری گرایانه در امر حفاظت از محیط زیست اشاره کرد. در این رویکرد ضمن تعدیل دو نگاه پیش گفته، اشتراک مساعی بین عوامل دولتی و غیر دولتی به ویژه شهروندان (در فرایند ساخت و ساز) طرح بحث می‌گردد. (۱۲)

مبانی مسئولیت مدنی محیط زیستی در حوزه ساخت و ساز شهری

نظریه تقصیر

در نظریه تقصیر نکته عمده این است که زیان دیده بتواند تقصیر عامل زیان را مشخص نماید والا عامل زیان از مسوولیت مدنی مبرا است. (۱۴) پس خسارات زیست محیطی در این مبنا قابل مطالبه نیست مگر این که بتوان تقصیر عامل ورود خسارت را اثبات نمود. (۳) در حوزه ساخت و ساز شهری اگر ملاک را مبنای تقصیر - همانطور که در ماده ۱ قانون مسوولیت مدنی قابل واکاوی است- بدانیم باید ابتدا تقصیر عامل زیان را اثبات نماییم. با این نگرش به نظر مبنای تقصیر در این حوزه نمی‌تواند به صورت جامع، موثر در به بند کشی زیان زنده داشته باشد. به ویژه اینکه در فرایند ساخت و ساز شهری مجموعه‌ای از عوامل نقش دارند که تقصیر برخی با وظیفه حاکمیتی آنها تلاقی داشته و هیچ گاه نمی‌توان آنها را با این عنوان مسئول قلمداد کرد.

نظریه خطر

نظریه خطر دائر مدار فعل زیانبار بوده که مقصود خود را در برقراری ارتباط و رابطه سببیت نه تقصیر زیان زنده بلکه میزان اثر مخرب رفتار این شخص می‌باشد. به عنوان مثال در ساخت و ساز شهری آنچه محور مبنایی مسوولیت و معیاری جهت احراز آن می‌باشد، اثرات فعل زیانبار است که به واسطه مجوزها و یا حتی سازه‌هایی که عملاً زیست محیط شهری را دچار بحران می‌کند، صادر شده و یا در این فرایند انجام شده است. در این نظریه که اساساً می‌تواند در مورد مسأله مهم محیط زیست جوانب بیشتری را مد نظر قرار دهد، نظر به عامل برون ذاتی داشته و تنها قصد و یا رفتار مبتنی بر بی‌احتیاطی زیان زنده ملاک نیست. بلکه اثراتی را که رفتار وی بر موضوع مورد نظر داشته ملاک تعیین مسوولیت و به تبع آن جبران خسارت خواهد بود.

نظریه تضمین حق

کسانی که در وقوع زیان توجه بیشتری را به سمت زیان دیده معطوف نموده‌اند، قائل به نظریه تضمین حق هستند. حمایت قانون در این زمینه عبارت از مسوول شناختن عامل زیان به هنگام ورود خسارت است. بنابراین اگر در حین انجام فعالیت اقتصادی ضری به دیگران وارد بشود این ضرر بایستی جبران

بشود. (۱۴) پر واضح است که در بازخورد با خسارت‌های زیست محیطی به ویژه در حوزه شهری بزه دیده نه یک شخص که ساکنان آن شهر می‌باشند که تصمیمات و عملکردهای همراه با تقصیر و خطا موجبات خسارت به زیست بوم شهری را موجب شده است. بنابراین در این زمینه وقتی طرح بحث از جبران خسارت اعم از مالی و غیر مالی می‌گردد، دامنه موضوع به مراتب گسترده می‌باشد. از طرفی این گستردگی که برآیند اثرات فعل زیانبار می‌باشد در مراتبی قابل جبران نمی‌باشد. به عنوان مثال وقتی در یک تغییر کاربری بخشی از یک باغشهر که منافع تنفسی شهر به شمار می‌رود، تخریب شده و تبدیل به ویلا و یا آپارتمان می‌شود و یا در وضعیتی بدتر تبدیل به یک منبع آلاینده مثل کارخانه می‌شود، دیگر صحبت در زمینه جبران خسارت و اعاده وضع به حال سابق دشوار بوده و در مواردی ناشدنی خواهد بود.

عنصر ضرر در ساخت و ساز غیر پایدار شهری

به رسمیت شناختن ارزش ذاتی محیط زیست و منابع طبیعی به ایجاد مسوولیت در قبال خسارات وارده به محیط زیست به خودی خود کمک می‌کند، که همراه با مسوولیت جرم سنتی زیست محیطی، جنبه‌های دوگانه مسوولیت مدنی زیست محیطی به طور عام و در حوزه‌های ساخت و ساز شهری و توسعه پایدار به طور خاص را بررسی می‌کند. اگرچه این دو جنبه دارای برخی ویژگی‌های مشترک هستند، اما تمرکز متمایز آنها نشان می‌دهد که نمی‌توان عرصه مزبور را به‌تنهایی تحت پوشش قانون یا سیستم‌های مبتنی بر مقررات محیط زیست قرار داد. در نتیجه، یک گرایش بین‌المللی به سمت رویکرد نظارتی با توجه به مسوولیت مدنی زیست محیطی، که برخی (۱۵) از آن به عنوان «نمونه مقررات اختصاصی» یاد می‌کنند، در حال ظهور است. در چنین الگویی، همانطور که توسط ایالات متحده (ایالات متحده آمریکا) و اتحادیه اروپا (EU) دنبال می‌شود، مسوولیت جرم و خسارت زیست محیطی عمدتاً به وسیله قانون مشخص می‌گردد. (۱۵) البته در زمینه محیط زیست شهری موضوع می‌تواند دغدغه برانگیزتر باشد. چرا که مسئولان شهری موظف به اتخاذ هندسه فضایی مناسبی هستند که هم در بردارنده بستر جهت

شود و ساخت و ساز شهری بر خلاف اسلوب مطرح شده ساخته شود و با این ساخت و ساز غیر اصولی ضرری به شخص یا اشخاص و حتی گونه‌های حیوانی و گیاهی انجام شود، می‌توان مبنای مسئولیت را در این خصوص مبتنی بر قواعدی چون مسئولیت محض اعمال کرد.

وجود فعل زیانبار

رفتار زیانبار در حوزه ساخت و ساز شهری با سویه پایداری شهری، شاید موضوعی مبهم و حتی شکل نامتوازن در مقررات مسئولیت مدنی داشته باشد. چرا که در حوزه شهری رفتار زیانبار تخریب بنا را تداعی می‌کند. اما اینکه اصولی در این فرایند رعایت نشده و این اصول آمیخته با افعالی باشد که برای شهروندان و ماهیت شهر از منظر محیط زیست مشکل‌ساز باشد، موضوعی است که در حوزه فعل زیانبار در ساخت و ساز شهری قابل بررسی است. تقاضا و مطالبه خسارت است که به دلیل اهمیت موضوع در برخی موقعیت‌ها اخذ آن بسیار مشکل و دشوار می‌شود. با این حال با شروع قرن نوزدهم میلادی به طور کلی مقرراتی وضع شد که امکان مطالبه خسارت در زمینه‌های مختلف تخلف و اخذ غرامت فراهم شد. همین رویکرد را می‌توان در بازخورد با توسعه پایدار شهری و رفتار زیانبار منتسب به آن نیز دارای موضوع دانست. (۲۰)

جهت مطالبه خسارت و پرداخت غرامت نظام‌های حقوقی در پرتو دو سیستم این مهم را انجام داده‌اند. نخست رویکردی بر اساس و پایه قواعد و مقررات تدوین شده که اساساً به واسطه سازمان‌هایی که دارای استقلال عملکرد بوده و به طور مستقل قانونگذاری می‌شدند. دیگر سیستمی که مطالبه ناشی از رفتار زیانبار را بر اساس مسئولیت مدنی ناشی از خطا و اشتباه که دارای دیرینگی تاریخی بود، اخذ می‌کردند. هر دو نگاه مقررات مسئولیت مدنی را در بازخورد با مطالبه خسارت ناشی از رفتار زیانبار و ارزیابی دقیق خسارات وارده ناشی از فعل زیانبار اشخاص را سعی در تعیین آن دارند. (۱۰) این در حالی است که بسته به پیشرفت و توسعه مقررات هر کشور به ویژه در حوزه محیط زیست این قواعد به صورت ساختارمند موضوع مد نظر خود (در اینجا ساخت و ساز و توسعه پایدار شهری) را در بر می‌گیرد. این قاعده

فعالیت‌های شهری است و هم در توسعه پایدار علی‌الخصوص در ساخت و ساز نقشی کلیدی ایفا می‌کند.

در پرتو آنچه بیان شد؛ بسیاری از دولت‌ها قبلاً سازمان‌های متعددی ایجاد کرده‌اند که مسئولیت توسعه استانداردهای مختلف را برای ایجاد محیط‌های ساخته شده پایدارتر، در سطح محلی و بین‌المللی بر عهده گرفته‌اند، بیشتر اوقات، این سازمان‌ها مقیاس‌های رتبه‌بندی متفاوتی را برای اثربخشی پایدار ساختمان‌ها اتخاذ می‌کنند. (۱۶) پس می‌توان عدول از این مقیاس‌ها را نوعی ضرر به ساکنان محله‌های مزبور تلقی کرد و بنابراین بر افراد دخیل در ایجاد چنین معضلاتی مسئولیت مترتب دانست.

در این حوزه اگر بخواهیم بحث ارکان مسئولیت مدنی را بررسی نماییم؛ نخست موضوع ضرر با مبنای ساخت و ساز پایدار و تخلف در آن تجلی پیدا می‌کند. در این نظریه گفته می‌شود، هر شخصی با فعالیت خود در هر حوزه (در اینجا ساخت و ساز شهری) شرایط و محیط بالقوه و یا بالفعل خطرناکی را ایجاد نماید - در این فرایند بحث خطر محیط زیست است که ممکن است کلیت جامعه شهری را در بر گیرد- از این شرایط منفعی برای وی حاصل گردد و یا نگردد باید ضررهای برآیند از فعالیت زیانبار خود را جبران نماید. (۱۷) پس مبنای مسئولیت در این حوزه را به مثابه عرصه محیط زیست و اهمیت فزاینده آن مبنایی مطلق و بر پایه نظریه خطر به شمار آورد. این فرضیه را می‌توان منتسب به انتهای قرن نوزده دانست، زمانی که انقلاب صنعتی شکل دیگری از زندگی را برای شهروندان رقم زد و عامل نمود این نظریه توسعه صنعت و خسارات وارده ناشی از آن بوده است. (۱۸) زندگی جدید و رو به پیشرفتی که در ساخت و ساز شهری نیز نمود جدی یافت و می‌توان سبک و سیاق شهرسازی امروز را نیز پرتویی از رشد صنعتی و یا جامعه صنعتی دانست. البته این نگرش فرض مطلوب است که در این جایگاه مورد تحلیل قرار می‌گیرد (۱۹). طرح سخن از مسئولیت مدنی به واسطه خطر ایجاد از طرف شخص متعرض به محیط زیست شهر و هجمه به توسعه پایدار شهری، بیشتر شاید یک فانتزی باشد تا اتخاذ تدابیری برای پیشگیری از اضرار به متضرر. (۱۸) با این حال در معماری سبز و در صورتی که مقرراتی در این زمینه در نظر گرفته

آن بوده و در مورد نوع رفتار و فعل شخص اظهار می‌دارد: «بدون مجوز قانونی»، باید پذیرفت اگر مجوز قانونی وجود داشته باشد تقصیری هم وجود ندارد. اما الزاماً این مجوز بیانگر درستی رفتار نخواهد بود. چرا که اگر نهادی قانونی مجوزی غیر قانونی صادر نماید و اشخاصی دانسته و یا ندانسته در مقام اجرای آن برآیند، مقررات مسئولیت به فراخور رفتار زیانبار هر یک و تقصیر وی قابل اجرا است. همچنین اگر مجوزی هر چند قانونی از نهادی غیر مسئول و غیر قانونی صادر گردد و در نهایت منجر به خسارت شود نیز تقصیر محرز و قابل پیگرد می‌باشد.

در مصداق مورد بحث اگر شهرداری با مجوز قانونی بخشی از فضای سبز را در تغییر کاربری قانونی به ساخت و ساز اختصاص دهد در بادی امر مسئولیت ندارد. اما اگر همین ساخت و ساز به دلیل عدم رعایت اصول محیط زیستی که در حوزه و شرح وظایف شهرداری و مسئولان شهری است، مثل موضوع زه‌کشی و فاضلاب، می‌تواند مسئولیت داشته باشد. در این عرصه مقصود از قانون و مقررات کلی بوده و می‌توان کلیه قوانین اعم از اساسی، عادی، حتی مقررات رو تقنینی صادره از سازمان‌های مسئول، دستور شفاهی پلیس و قواعد و مقررات عرفی می‌باشد. (۲۱) به هر حال در ساخت و ساز شهری و مسئولیت ناشی از این شرایط با رویکردی محیط زیستی با گسترده‌ای از رفتارها مواجهه هستیم که افراد مختلفی را در بر می‌گیرد. از جمله افرادی که در کنار یک بیمارستان در حال ساخت و ساز بوده و در هر برهه زمانی آلودگی صوتی ایجاد می‌کنند.

در این حوزه این اندیشه نیز وجود دارد که صرف ورود خسارت نمی‌تواند محملی برای مطالبه‌ی خسارت باشد. در واقع شخص باید مرتکب عملی شده باشد که اخلاقاً بتوان آن را مورد ملامت قرار داد. (۱۰) فعل زیانبار باید با تقصیر نیز همراه باشد؛ بدین ترتیب مبنای سنتی مسئولیت تئوری تقصیر قلمداد شد. (۲۲) یعنی عبور از پذیرش مسئولیت محض به سمت پذیرش مسئولیت مبنی بر تقصیر. به هر حال فعل زیانبار نیز از جمله ارکان مسئولیت مدنی است که در بازخورد با فعل خطای اشخاص در حوزه محیط زیست شهری می‌تواند موثر باشد. فعل زیانبار ممکن است فعل یا ترک فعل باشد. (۱۰) در این راستا بر اساس مقررات موجود شهرداری در تمام حوزه‌های حفاظت از محیط زیست

ساختارمند در برخی از کشورها از جمله ایران در بادی امر دارای انسداداتی است که در مواجهه با نهادهای مسئول دچار گمگشتگی و ابهام می‌باشد. مثلاً سیاست زمین شهری، سیاست‌گذاری در حوزه حمل‌ونقل، و امثال این موارد چگونه در حال تخریب مدام محیط زیست شهر هستند. کمیسیون ماده ۵ و ماده ۱۰۰ در طرح جامع مدیریت شهری و روستایی چه جایگاهی داشته و سازمان حفاظت محیط‌زیست در مورد این واگذاری‌ها چه موضع و نظری می‌تواند اتخاذ کند. اینکه عملکرد این دو نهاد دولتی و عمومی موازی نبوده و این موازی کاری و یا منافع هر یک از این سازمان‌ها و یا سازمان‌های دولتی خارج از شرح وظایف مبتنی بر طرح مزبور، تا چه میزان می‌تواند در تخریب محیط زیست موثر واقع گردد، موضوعی است که همچنان چالش برانگیز است. به عنوان مثال، درباره زمین‌خواری منطقه لواسانات سازمان محیط زیست بدلیل عدم مالکیت مناطق چهارگانه، قادر به برخورد و پیگیری جدی این مسئله نیست و ناچار است تنها منابع طبیعی را از این بحران مطلع سازد. در نهایت این پرسش اساسی که با واگذاری مدیریت این مناطق به شهرداری‌ها، که خود تسهیل‌کننده ساخت‌وسازها در این مناطق هستند، چگونه سازمانی مثل سازمان محیط زیست خواهد توانست از وظایف بالادستی و نظارتی خود بهره برده و بر حسن انجام امور عمل نماید. پس پذیرش سیستم حقوقی به تنهایی نمی‌تواند موثر در احراز و اعمال مسئولیت در ساخت و ساز شهری و به تبع آن توسعه پایدار شهری گردد. بلکه نهادهای مسئول و نوع و اهداف عملکردی آنها و حتی بازتعریف منافع آنها از انجام امور می‌تواند این مسیر را چالش برانگیز نماید.

به هر حال لازمه زندگی اجتماعی به ویژه در ساختار پیچیده و بعضاً گسترده شهری این گونه فعالیت‌ها اجتناب‌ناپذیر است. به عنوان مثال صدور مجوز ساخت و ساز نه از منظر حقوقی و نه اخلاقی تقصیر نبوده و یک رفتار متعارف اجتماعی است. اما وقتی ساخت و ساز ایجاد زیان کلان در ابعاد خسارت به محیط زیست می‌کند، هم نقض قانون است و هم از منظر اخلاقی مسئولیت ایجاد می‌گردد.

اگر فعالیت‌های مبتنی بر ساخت و ساز شهری دارای وصف غیر قانونی باشد، آنگونه که ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مترصد

جمع آوری و دفع زباله است. بند ۲۰ ماده ۵۵ با موضوع جلوگیری از ایجاد و تاسیس کلیه اماکن که به نحوی از انحاء موجب بروز مزاحمت برای ساکنان یا مخالف اصول بهداشت در شهر است. بنابراین در این مقررات می‌توان برداشت نمود در صورت تخلف و احراز فعل زیانبار و ایجاد ضرر، شهرداری و یا اعضای شورای شهری مسئولیت مدنی داشته و بایست در راستای جبران خسارت اقدام نمایند.

شهری از جمله زباله، آلودگی‌های هوا، آب و فاضلاب آلودگی‌های صوتی شهری واجد تکالیفی است که تخطی از این تکالیف مسئولیت‌زا بوده و بر اساس قواعد عام جبران خسارت‌ها می‌باشد. (۲۳) به عنوان مبنای تکلیفی شهرداری در راستای ساخت و ساز شهری و احراز فعل زیانبار می‌توان به موادی از قانون شهرداری‌ها اشاره کرد. از جمله بند ۲ ماده ۵۵ این قانون که موضوع آن تمهیدات و نگهداری و تسطیح معابر و انهار عمومی است. تبصره ۴ بند ۲ ماده ۵۵ که در آن شهرداری مکلف به تعیین محل‌هایی برای

جدول ۱- مصادیق فعل زیانبار در توسعه و پایداری شهری

Table 1. Examples of harmful verbs in urban development and sustainability

مصادیق فعل زیانبار	تعمیم مصداق به بحث ساخت و ساز شهری
تغییر کاربری	در مناطق شهری افزایش جمعیت موجب تغییر کاربری اراضی کشاورزی و باغات شهری به سازه‌های مسکونی، تجاری و صنعتی شده که دارای پیامدهای بحرانی زیست محیطی اعم از دگرگونی چهره طبیعت، کاهش پوشش گیاهی و ... می‌شود.
رعایت اصول محیط زیستی	از جمله اهداف توسعه پایدار شهری و رعایت اصول محیط زیستی در آن معماری پایدار، «طراحی و نگه داری ساختمان برای آینده» است: بنابراین اگر این اصول از جمله استفاده از مصالح همگرا با طبیعت، نوع سازه و ... رعایت نشود، متولیان امر مرتکب فعل زیانبار در حوزه شهری شده‌اند که بر این عملکرد مسئولیت آنها خواهد بود.
معماری سبز	معماری زیست محیطی سازگار با بستر محیط‌زیستی و به طور مطلوبی ساکنان را از شرایط دشوار آب‌وهوایی محافظت کرده است. پس در جایی که مقررات این نوع معماری را تأکید دارد، عدول از آن فعل زیانبار تلقی می‌گردد.

ارتباط دادن رفتار با یک اثر منتج، اساساً زیانبار بوده و منجر به زیان و ضرر می‌شود- فراهم می‌کند. مانند کارفرمایی در فرایند ساخت و ساز دستگاه برش آهن را در محیط ساخت و ساز قرار دهد و موجب آلودگی صوتی شده و با این رفتار موجبات اضرار و مشکلاتی برای ساکنان محله مزبور ایجاد کند. یا شهرداری مجوزی غیر قانونی به افرادی معین دهد تا در سطح شهر موجبات سد معبر فراهم نمایند. (۲۴) البته باید بیان کرد دگرگونی مسئولیت در حوزه محیط زیستی از بعدی حقوقی به زمینه‌ای سیاسی را می‌توان به عنوان پاسخی جمعی به مسئله حکمرانی جوامع پست مدرن که با بحران اعتماد نسبت به قواعد دموکراتیک و با زمینه فزاینده تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت مواجه هستند تفسیر کرد. در این نگرش سببیت در احراز

بحث: این جدول نشان می‌دهد که مصادیق فعل زیانبار در فرایند ساخت و ساز شهری چه مواردی را در بر گرفته و چرا این موضوعات به عنوان فعل زیانبار تعیین شده است. رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیانبار ناشی از تخلف در زیست پذیری شهری ناشی از ساخت و ساز در قانون مسئولیت مدنی اعم از قراردادی یا قهری، رابطه سببیت یکی از ارکان لازم برای اثبات است و بر اساس قواعد عمومی، اثبات آن بر عهده مدعی است. اما از منظر حقوق نمی‌توان قواعد را به صورت مطلق انگاشت. لذا این قاعده کلی نیز مانند بسیاری دیگر دارای استثناء بوده و در مواقعی مواجه با قلب عامل اثبات می‌شویم. به هر حال رابطه سببیت را می‌توان فرایندی مابین رفتار عامل زیان و فعل زیانبار دانست. به عبارت دیگر، رابطه سببیت وسیله‌ای برای

مسئولیت را می‌توان فرآیند هویت ساز جهت تعیین خسارت و میزان اضرائی دانست که به شخص، اشخاص و یا زیست بوم شهری مترتب شده است. (۲۵)

به هر حال آنچه در این حوزه نیز اهمیت دارد، اثبات رابطه سببیت نیز می‌باشد. در خسارت‌های زیست محیطی به طور عام و خسارت زیست محیطی شهری به طور خاص، به دلیل اهمیت موضوع و نیز عدم امکان اعاده وضع به حال سابق در برخی خسارت‌های زیست محیطی این قلب اثبات به کرات قابل درک و مشاهده است. البته در فرض تعدد اسباب به ویژه در صورت اسباب طولی به موجب موادی از قانون مجازات اسلامی که در پرتو برخی از قواعد فقهی از جمله قاعده «لاضرر» و «الا قرب یمنع الأبعد» آنچه اتخاذ نموده مسئولیت سبب نزدیک است که در برخی از موقعیت‌های به‌ویژه در صورت سبب عرضی آنچه اتخاذ شده مسئولیت مساوی است. البته قوانین مختلف بر اساس وضعیت‌های پیش آمده در باب اسباب موضع‌های مشابه و در مواردی متفاوتی اتخاذ نموده‌اند. به‌عنوان مثال ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی اجتماع اسباب در قالب مسئولیت تضامنی برای جبران خسارت در نظر گرفته که میزان مسئولیت اسباب به نسبت مداخله آنها تعیین می‌شود. همچنین در ماده ۵۳۳ قانون مجازات نیز شرکت در وقوع خسارت را در صورت قابلیت انتساب به همه اسباب، به طور مساوی در نظر می‌گیرد. بنابراین شهرداری یا هر شخص درگیر در فرایند شهرسازی زمانی مسئول جبران خسارت وارده به اشخاص است که زیان وارده مستند به عمل آن باشد. به عبارت دیگر باید بین عمل زیان‌بار شهرداری در ساخت و ساز و خسارت محیط زیستی وارده رابطه سببیت برقرار باشد. (۲۶) در بازخورد رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ضرر می‌توان به مبنای قانونی توجه نمود که در شاکله مقررات جاری می‌توان در مواردی شهرداری را مسئول فعل و یا ترک فعل قلمداد کرد.

در ماده ۳۵ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان که در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسید، مسئولیت نظارت عالی بر اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی و مقررات ملی ساختمان در طراحی و اجرای تمامی ساختمان‌ها و طرح‌های شهرسازی و عمرانی شهری را که اجرای ضوابط و مقررات مزبور در مورد آنها الزامی است بر عهده وزارت مسکن و شهرسازی گذارد. با توجه به این قوانین و مقررات

می‌توان گفت که پروانه ساختمانی که از سوی شهرداری صادر می‌شود یک سند اداری است که بر پایه آن شهرداری اجرای دقیق مقررات طرح جامع و طرح تفصیلی و مقررات ملی ساختمان را در هر ساخت و سازی کنترل و تضمین می‌کند. پس تقصیر در اجرای مفاد آن مسئولیت‌زا بوده و شخص تخطی کننده مسئولیت در حدود رفتار زیانبار خود دارد.

با وجود این، اثبات رابطه سببیت بین تقصیر خاطی در محیط زیست شهری و برخلاف پایداری شهری و زیان وارده به زیان دیده و همچنین چالش تداخل اسباب، اصل جبران خسارت و مطالبه آن را پیچیده می‌کند. چرا که شخص زیان دیده بایست علاوه بر ضرر رابطه سببیت را در برابر چندین سبب اثبات نماید. (۲۷) بنابراین اگر به موجب تخلفات شهرداری، پیمانکار، کارفرما، مالک و هر شخص حقیقی و یا حقوقی، شهروندی از ساخت و ساز حاصل متضرر گردد فارغ از اثبات تقصیر حق مطالبه خسارت را دارد. (۱۷) عده‌ای معتقدند، کارکرد اصلی این تئوری در حوزه مسئولیت قراردادی است. (۲۸) در حالی که، هدف از بررسی تئوری‌های حاکم بر مسئولیت مدنی، ایجاد تعادل و در بسیاری از موارد حمایت از خواننده در این عرصه است که هیچ‌گونه رابطه قراردادی با شخصی که مرتکب تخلف در محیط زیست و ایجاد آلودگی صوتی شده، نداشته لذا رابطه صرفاً رابطه‌ای یک طرفه و بر اساس تنبیه جامعه به وسیله متولیان است.

در رابطه با سببیت همچنین می‌توان به قاعده تقصیر مشترک (contributory negligence) اشاره نمود که در نظام «کامن لا» و تحت تأثیر حقوق روم به وجود آمد. که به موجب آن نمی‌توان قواعد کلی راجع به رابطه سببیت را نادیده گرفت. (۲۸) در پرتو این قاعده درجه و میزان تقصیر زیان دیده و زیان زنده مهم نیست، بنابراین اگر زیان دیده یک درصد سهل انگاری کرده و زیان زنده نود و نه درصد تقصیر داشته باشد، زیان دیده نمی‌تواند مطالبه خسارت کند، پس چیزی دریافت نخواهد کرد. (۲۸) مزیت این قانون همه یا هیچ این است که مراجع را ملزم نمی‌کند که میزان تقصیر هر یک از طرفین را به طور دقیق تعیین کنند. از سوی دیگر، استفاده از این قاعده می‌تواند منجر به نتایجی شود که جامعه آن را ناعادلانه می‌داند. به عنوان مثال مهندس ناظر ساختمانی که پس از تخلف شهرداری در صدور

سازهایی بالا برود. این نوع مسئولیت، نمودار مسئولیتی است که به حکم قانون و بر پایه مصلحت و تدبیر ایجاد می‌شود و تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی نیست، به همین جهت آن را مسئولیت نوعی یا کلی نیز نامیده‌اند. هدف این نوع مسئولیت تحمیل ضمان به نتیجه فعل است نه کیفیت آن. (۱۷) (۲۴) به بیان دیگر، صرفنظر از تقصیر یا عدم تقصیر شخص مقصر در ایجاد خسارت زیست محیطی به عنوان مثال ایجاد آلوده کننده صوتی، در فعل خود (عدم استفاده از درپوش مرغوب و یا عدم استفاده از ابزارهای استاندارد و ...)، وی مسئول زیان‌هایی است که از فعل یا ترک فعل او ناشی شده است.

مجوز، بر ساخت غیر اصولی ساختمان و برخلاف ضوابط محیط زیستی قانون شهرداری اجازه ادامه روند کار را می‌دهد و پیمانکار یا کارفرما یا مالک با سبق تصمیم در این زمینه و با اطلاع و آگاهی از تخلف مهندس ناظر اجازه به ادامه ساخت می‌دهد که در صورت تخریب از طرف شهرداری بر پایه این قاعده و نظریه به واسطه تقصیر خود متضرر شده است.

به هر حال در حوزه محیط زیست از جمله پایداری شهری و در عرصه ساخت و ساز بایست اصل را بر مسئولیت مطلق گذاشته و تمهیدات پیشگیرانه‌ای اجرایی از جمله تخریب یا جریمه‌های سنگین در نظر گرفته شود تا حداقل ریسک چنین ساخت و

جدول ۲- مسئول در ساخت و ساز شهری بر اساس رابطه سببیت

Table 2. Responsible person in urban construction based on causal relationship

اشخاص مسئول در فرایند ساخت و ساز شهری	تعمیم مسئولیت به اشخاص مسئول بر پایه اصول محیط زیستی
نهادهای دولتی	نهادهای دولتی از جمله شهرداری و وزارت مسکن و شهرسازی، بنیاد مسکن
مهندسان	مهندسان ناظر
پیمانکاران	شرکت پیمانکاری باید با استفاده از ابزاری مناسب، از پس فرآیندهای پیچیده و دشواری که در حین اجرای پروژه به وجود می‌آید، برآید. بنابراین در فرایند ساخت و ساز اگر از مقررات مبتنی بر اصول زیست محیطی که در دستور کار کارفرما بوده تخطی شود، شرکت پیمانکار مسئولیت دارد
کارفرما	از جمله مسئولیت در فرایند ساخت و ساز شهری کارفرمایان هستند چرا که موظفند اقدامات لازم به منظور حفظ و تامین ایمنی، بهداشت کار و حفاظت محیط زیست را به عمل آورد.

ظرفیت زندگی را بهبود می‌بخشد. بنابراین در پرتو این دیدگاه سعی شده مقرراتی را در زمینه مدیریت شهری تنظیم نموده که با اجرای آنها این مهم تحقق پیدا کند. با این حال براینده اثرات قوانین و مقررات تکالیفی است که در صورت عدم توجه و اجرا، ایجاد مسئولیت می‌کند.

در جنبه‌های اجتماعی-اقتصادی، پایداری شهری نیازمند رویکردی جامع است تا سرمایه اجتماعی را با آموزش اجتماعی آمیخته و سپس جوامع محلی را در راستای اجرای هر چه بهتر مقررات در این زمینه توانمند سازد. با این حال این واقعیتی است که آموزش به تنهایی نمی‌تواند گره گشا در این زمینه باشد. چرا که همیشه افراد سود جو در کمین بوده و سعی می‌کنند از خلاءهای تقنینی و یا با اعمال نفوذهایی که در ساختار مدیریت

بحث: رابطه سببیت بین فرد خاطی و متخلف و فعل زیانبار موجبات خسارت‌هایی را ایجاد می‌کند که در جدول فوق اشخاص مسئول (اعم از نهاد و شخص) را مورد اشاره قرار داده و به عنوان یافته تحلیلی موضوع بیان می‌گردد.

نتیجه‌گیری

پایداری شهری با رویکرد کلان مبتنی بر محیط زیست در ساخت و ساز اصولی را مد نظر قرار می‌دهد که کمترین اصطکاک و ناسازگاری را با طبیعت داشته باشد. این رویکرد مدعی است که با بهره از منابع مفید و همگرا با طبیعت به تخریب محیط زیست به ویژه محیط زیست شهری پایان می‌دهد. این تنها یک فرآیند توسعه را تأیید می‌کند که کیفیت زندگی انسان و سیستم‌های

- European Union, *J. Sus. Dev. & Env*; Vol. 3, No. 3: pp. 51-66. (In Persian)
2. Karimi, Kh. (2011). Responsibility without the fault of the government, published in the publication database of legal articles, Haq Gostar, (In Persian)
 3. Jeffery, M. I. (1994). Environmental liability: a continuing source of concern for lenders. *Environmental Policy and Practice*, 4, 17-17.
 4. Esmailzadeh, H. (2015). Theoretical foundations in urban studies; urban management (with a look at Iran's conditions), Tehran: TISA, first edition Vol 1. (In Persian)
 5. Aghaei J, Sara, H, Maryam E. (2022). The physical impact of the living environment on the mental health of people with a sustainable architecture approach, Place of publication: The second international conference on architecture, civil engineering, urban planning, environment and horizons of Islamic art in the statement of the second step of the revolution, pp1-15
 6. Karlenzig, W., & Marquardt, F. (2007). *How green is your city?* New Society Publishers.
 7. Vargas-Hernández, J. G., Zdunek-Wielgołaska, J. A., & Pallaggst, K. (2019). The Role of Urban Green Spaces in the Transformation of Community Ecosystem in Developing Countries. In *Optimizing Regional Development through Transformative Urbanization* (pp. 204-224). IGI Global.
 8. Altamemi, A. S. A., Zarkesh, A., & Yeganeh, M. (2023). Analysis of the effect of green building technique on reducing energy consumption (Green roof technique in an educational building in Wasit, Iraq). *Sustainability*,

شهری دارند در مقابل روال عادی شهرسازی به مقابله برخاسته و با طبیعت به عناد برخیزند. در این چارچوب جرائمی چون تغییر غیر قانونی کاربری، زمین خواری، کوه خواری، جنگل خواری و حتی رودخانه خواری موضوعاتی است که این افراد بر آن چیرگی پیدا می کنند. پس برنامه ریزی مبتنی بر قوانین همه جانبه و به نوعی جهان شمول در حوزه پایداری شهری و صنعت ساخت و ساز نیاز به افرادی شجاع دارد که در مقابل وسوسه های سودجویان طبیعت درآیند. به هر حال رسیدن به آرمان شهری اتوپیایی مبتنی بر مناسبات و اصول محیط زیستی و طبیعت مهبیای شهری پایدار خواهد بود که تنها با قانونمداری در این زمینه صورت می پذیرد.

برای نیل به عدالت در این زمینه تکلیف قانونی را بایست بر اساس مقررات و اصول عام مسئولیت بر ناقضان در این عرصه تحمیل کرد. همانطور که بیان شد، علی الاصول مبنای مسئولیت مدنی در قوانین ایران مبتنی بر تقصیر عامل زیان می باشد. اما می توان در قوانین مختلف به فراخور اهمیت و میزان مخاطرات ایجاد، مبنای مطلق و نظریه خطر نیز پذیرفته شده است. براینده آنچه بیان شد، این واقعیت است که خسارت در محیط زیست به طور عام و خسارت در ساخت و ساز شهری به طور خاص می تواند خساراتی جبران ناپذیر بر چهره شهر ایجاد نماید. بنابراین منطقی است براینده تکلیف و تعهدات قانونی مسئولیتی مبتنی بر موضوع زیان و برخاسته از معیار و ضابطه ای مطلق و عینی باشد. چرا که در نظریه تقصیر تا مقصر و تقصیر وی اثبات نشود، جبران خسارتی صورت نخواهد پذیرفت. در مواجهه با این نظر شایان ذکر است که جبران خسارت و عدم اعاده وضع به حال سابق در خسارت های زیست محیطی مغایر با هم نخواهد بود. چرا که در خسارت های زیست محیطی اعمال مقررات متقن، همه جانبه، شدید و دارای قطعیت اجرایی می تواند موجبات پیشگیری را ایجاد کند.

References

1. Hamidi, F., Afshari, M., Mashhadi, A. (2022). Mechanisms to guarantee the right to clean air in Iran and the

- guarantee), Tehran, Tehran University Press, edition 5 Vol. 1. (In Persian)
18. Jafari, A., Ahmadi, A. (2019). Restitution Damages of the Environmental Crimes in International and Iranian Law System, *Journal: Public Law Studies Quarterly*; Vol. 49, Issue. 2: pp. 613-633. (In Persian)
 19. Firouzi, Mohammad Ali, Sajjadian, Mehyar. (2017). An introduction to the identification codes of urban development and planning in Islamic cities, *Geography and Urban Planning Journal, Vol 9, No 34, pp.223-262*. (In Persian)
 20. Katouzian, N. (2009). Elementary courses of Iranian civil law: Juridical facts, Tehran, Mizan Publications, edition 35. (In Persian)
 21. Pera, A. (2020). Assessing sustainability behavior and environmental performance of urban systems: A systematic review. *Sustainability*, 12(17), 7164.
 22. Dalvand, F. (2008). Division of Civil Liability, Isfahan, Dadyar Publishing House, edition 4. (In Persian)
 23. Abdi, M., Abdi, I. (2022). civil responsibility of municipalities in environmental pollution and its effects, place of publication: Third International Conference on New Approaches to Management, Psychology and Human Sciences in the 21st Century. (In Persian)
 24. Ebrahimi, N. (2011). Responsibility for producing defective goods and protecting consumers (legal analysis in the top three legal systems of the world), Tehran, Research Journal of Law and Political Science, No. 2, issue. 5: pp. 13-54. (In Persian)
 9. Rezaei, A., & Pourzargar, M. R. (2020). Review of the concept of green roof in contemporary housing in Tehran to improve the quality of life and environment. *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design*, 8(1), 183-195.
 10. Badini, H. (2021). Philosophy of Civil Liability, (Subtopic of Civil Rights 4 (Obligations outside the contract), Tehran: Majd Publications, edition 4. (In Persian)
 11. Taghizadeh, E., Hashemi, A. (2018). Civil liability (obligations ex delicto), Publisher: Payam Noor University, edition 4. (In Persian)
 12. Mohagheq Damad, S.M. (2021). Jurisprudence Rules (Civil Section), Tehran: Islamic Sciences Publishing Center, edition 62. (In Persian)
 13. Hosseinejad, H. (1998). *Civil Responsibility, Shahid Beheshti University, Tehran*. (In Persian)
 14. Afshari, M., Tayebi, S., Karimi, R. (2022). Civil Liability Regime for Environmental Damage, Human and Environment; No. 62: pp. 99-108. (In Persian).
 15. Zhai, T. (2022). Double-faceted environmental civil liability and the separate-regulatory paradigm: An inspiration for China. *Sustainability*, 14(7), 4369.
 16. Mashhadi, a. (2017). State and Environment: From the Non-State to the Participatory Approaches, *State studies journal*; Vol. 2, Issue. 8: pp. 59-80. (In Persian)
 17. Katouzian, N. (2022). Obligations outside the contract (forced

27. Lavers, A. P., & Shiers, D. E. (2000). Construction law and environmental harm: The liability interface. *Construction Management & Economics*, 18(8), 893-902.
28. Esmailzadeh, H. (2001). A look at consumer rights, Tehran: Publications of the Program and Budget Organization Vol. 2. (In Persian)
25. Darabpour, M. (2017). Non-contractual responsibilities: payment of damages, restitution of property and privileges, Tehran, Majd Publications, edition 4. (In Persian)
26. Abozari, M., Babaei, D., Mehbodi, A. (2022). Civil responsibility of individuals in connection with urban construction, focusing on the civil responsibility of municipalities, *International Legal Research Journal*; Vol. 15, Issue. 55: PP. 701-720. (In Persian)